

نقش روحانیت در نهضت‌های اسلامی آذربایجان

حجة الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی

طرح‌های استعماری کشورهای سلطه‌گر بالخصوص انگلستان در کشورهای اسلامی - در مقالات گذشته - تا حدودی مورد بررسی قرار گرفت. و مواردی که گفته شد، اصول اهدافی بود که استعمارگران در مناطق مختلف کشورهای اسلامی به تناسب‌های مختلف و مطابق با شرایط فکری و روحی و جغرافیایی و اقتصادی آن منطقه انجام میدادند. بدیهی است که در بعضی از مناطق برای اجرای طرح‌های خویش به کار و کوشش و نقشه‌های حیل‌گرانه بیشتری نیاز داشتند. و یکی از مناطقی که مسلماً مورد توجه استعمارگران در کشور ایران بوده و هست، منطقه بسیار حساس آذربایجان است که با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های آن منطقه و موثر بودن آن در اجرای اهداف استعماری در مناطق دیگر در صورتی که در مسیر آنها قرار گیرد و همین‌طور تأثیر آن منطقه در ایجاد حرکت‌های بزرگ در برابر مستکبران

و سلطه‌گران در صورتی که در برابر آنها قرار گیرد؛ لازم است که توجه بیشتری به آن سامان بشود. و ما به ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی و اعتقادی و روحی مردم آن منطقه مختصراً اشاره میکنیم:

۱ - موقعیت جغرافیایی آذربایجان

موقعیت جغرافیایی آذربایجان که از طرفی مرزهای بسیار وسیع و طولانی با شوروی دارد و از طرف دیگر با ترکیه که از قدیم‌الاجرام این مرزها مورد توجه قدرت‌های جهان بوده است، حکومت‌های عثمانی بارها از طریق مرز ترکیه وارد تبریز شدند و آنجا را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند و مردم تبریز و آذربایجان مکرراً با آنها جنگیدند. و همین‌طور روس و حکومت‌های روسیه که چندین بار به بهانه‌ها و عناوین مختلف وارد تبریز شدند و به جنگ و کشتار مردم مسلمان تبریز پرداختند و هم اکنون نیز این مرزها و این

استان از جهات استراتژیکی و مرزهای حساسی که دارد، مورد توجه ابرقدرت‌های غرب و شرق قرار دارد.

۲ - تعصب مذهبی

تعصب بسیار شدید و یکپارچه مردم تبریز به دین اسلام و مذهب تشیع و علاقه خاص آنان به اهل بیت عصمت و طهارت و مراسم دینی و مذهبی و وابستگی عمیق آنان به روحانیت و مراجع تقلید و پیروی از آنان شاید با بسیاری از نقاط ایران از این جهت قابل مقایسه نباشد. مردم تبریز در هر موقع و فرصتی پی‌ویژه در ایام تعطیلات و جمعه‌ها و غیره خصوصاً در گذشته در مساجد بزرگ تبریز و هیئت‌های حسینی و تکایا و مجالس و عظ و خطابه و عزاداری اجتماع میکردند و علمای بزرگ شهر و مجتهدین بزرگ در مواقع حساس برای مردم سخنرانی میکردند و مجالس و مساجد در تبریز در ازدحام جمعیت و علاقه خاص مردم تبریز به مساجد

ومواعظ و روحانیت زبانه‌زبان خاص وعام بود.

۳- روحیه سلحشوری:



داشتن روحیه سلحشوری و مقاومت و بی‌باکی خاص در برابر دشمنان کوه همواره در طول تاریخ انقلابهای ایران، این مسئله به اثبات رسیده است.

۴- پیشقدم در حرکت‌های سیاسی مذهبی



نشوونمای فکر سیاسی اجتماعی در میان اکثر اقشار و طبقات مردم تبریز و درک عمیقترین مسائل سیاسی و روحیه دخالت و اظهار نظر در بسیاری از آن مسائل بطوریکه غالباً خودشانرا صاحب نظر و فکر در این زمینه میدانند و در تاریخ گذشته خود این مسئله را بوضوح نشان داده‌اند بطوریکه هر حرکت و مبارزه سیاسی و مذهبی که در ایران انجام گرفته است نه تنها بی تفاوت و ساکت نبوده‌اند بلکه در بسیاری از موارد پیشقدمتر از دیگر استانها و شهرها بودند و یا لاقلاً در کنار

مردم مبارز دیگر، نقش مؤثری داشتند. و جریانات انقلاب مشروطیت و حرکت علمای بزرگ تبریز در آن زمان و حرکت‌های مسلحانه مردمی ستارخان و باقرخان و قیام مقدس مرحوم میرزا محمد غیبابانی و حرکت و مبارزات مردم و روحانیت در برابر رضاخان و کشف حجاب و غیره که منجر به تبعید شدن دو مجتهد بزرگ تبریز آیت‌الله حاج میرزا صادق تبریزی و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگلی «طاب ثراهما» گردید و حرکت‌های مردم در مبارزات مرحوم آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن نفت و بالاخره مبارزات بسیار وسیع مردم آذربایجان در انقلاب اسلامی ایران در سالهای ۴۲-۴۱ و ادامه آن تا روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و نقش بسیار مؤثر و تعیین کننده مبارزات مردم تبریز در این پیروزی عظیم که بعداً توضیح خواهیم داد، نشانگر مسئله فوق می باشد.

۵- تعصب به زبان آذری

آذری بودن زبان عمومی مردم آذربایجان که در این جهت مردم آن سامان را از سایر استانها و مرکز که پارسی زبان هستند جدا میسازد و تعصب شدید مردم به زبان خود که راهی برای برانگیختن و تحریک احساسات پاک آن سامان برای دشمنان دین و استعمارگران در صورت هشیار نبودن مسئولین محترم و گرداندگان کشور میتواند باشد. البته تا بحال دشمنان از این طریق نتوانسته‌اند مردم تبریز را تحریک و علیه دین و مذهب و روحانیت و یا استقلال و حیثیت کشور برانگیزانند و یا شعارهای تجزیه طلبی و جدا سازی بدهند، لکن بسیار بجا است که مسئولین محترم توجه کنند و برای ارج نهادن به فکر و هوش و درایت و تعهد مردم آن سامان در صورتی که افراد شایسته

و مدیر و مؤمن بانقلاب در آن منطقه وجود داشته باشد. از وجود آنان برای اداره استان استفاده کنند که هم خدمات بیشتری می‌توانند انجام دهند، و هم به اتحاد و یکپارچگی مردم کمک می‌کنند و دشمنان انقلاب و اسلام نیز نمی‌توانند راهی برای تحریک و برانگیختن احساسات پاک مردم داشته باشند.

سرمایه گذاری استعمارگران

با توجه به مسائل و ویژگیهای فوق‌الذکر قطعاً استعمارگران برای اجرای طرحهای خود در تبریز و منطقه آذربایجان سرمایه گذاری بیشتری باید می‌کردند و طبیعی است که در این راستا نسبت به دین و روحانیت و تعصب شدید مذهبی و وابستگی مردم به روحانیت بیشتر توجه کنند و تا حد امکان این رابطه را به سستی و ضعف بکشانند و بهر طریق ممکن روحانیت را یا بطرف خود کشیده و وابسته کنند و از این طریق در میان مردم مسلمان نفوذ کنند و یا به عتوانی از اجتماع منزوی کنند بطوریکه مردم دیگر حرف شنوی از آنها نداشته باشند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«فَالْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَمُخْرِجَتِكَ يَا شَعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَعَلَكَ مِنْ قَوْمِكَ أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا» (اعراف- ۸۸)

مستکبران قوم حضرت شعیب علیه السلام به او گفتند: یا تو و پیروان تو را از این دیار خارج می‌کنیم و نمی‌گذاریم در اینجا زندگی سالم داشته باشید و یا باید آنچه را که ما ترسیم می‌کنیم و بعنوان دین مطرح می‌سازیم بپذیرید.

چرا که اولاً تبریز مرکز حوزه بزرگ علمیه دینی بود که از نظر کثرت تعداد طلاب و محصلین علوم دینی و فقه جعفری

و همچنین از نظر وجود بزرگان علما و مجتهدین شیعه در تبریز پس از حوزه علمیه نجف اشرف از بزرگترین حوزه‌های علمیه محسوب می‌شد. البته پیش از آنکه حوزه علمیه قم تشکیل شود. شاید صدها مجتهد در عصر واحد به تدریس علوم فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و اخلاق در مدارس علمیه تبریز مشغول بوده‌اند و از طرفی علمای بزرگ تبریز در مسائل اجتماعی و حلّ و فصل دعاوی و مشکلات مردم و مبارزات سیاسی علیه ظلم و استبداد و فساد نظام‌های مستبد قاجاریه و پهلوی در زمان رضاخان پیشقدم بودند و قهراً وجود یک چنین حوزه علمیه و علمای بزرگ فعال و اجتماعی و محبوب در رشد فکر سیاسی و مذهبی مردم تبریز سهم بسیار مؤثری داشت و اگر تاریخ انقلابها را در تبریز مطالعه کنیم، می‌بینیم مردم تبریز اگر چه در هر حرکت اسلامی و آزادیخواهی پیشقدم بودند، لکن همواره پس از کسب تکلیف از علمای اعلام و روحانیون و مراجع عظام پشت سر آنها حرکت می‌کرده‌اند و تاریخ نشان نداده است که حرکتی در تبریز علیه ظلم و استبداد و یا فساد و منکرات بشود و عده‌ای از روحانیون بزرگ در صف مقدم مردم قرار نگیرند و مردم خودسرانه این حرکت را شکل دهند. لذا بنظر میرسد که استعمارگران بالخصوص پس از بحکومت رساندن رضاخان مزدور، برای خنثی کردن خطرهای احتمالی که توطئه آنانرا تهدید می‌کرد در هر استانی بمناسبت حرکت‌های احتمالی آن منطقه اقداماتی نمودند. مثلاً در مناطق عشایری و ایلات که بیشتر مردم از سران عشایر پیروی می‌کردند برای وابسته کردن سران و خریدن آنها و یا کشتن و از بین بردن آنان کمر می‌بستند و در جاهائی که

مبارزات مسلحانه مردمی رشد پیدا می‌کرد برای سرکوبی رهبران ملی و مذهبی آنان مانند میرزا کوچک‌خان رحمة‌الله علیه و در تبریز مناسب روحیه مردم و رهبری موجود در منطقه اقدام می‌کردند. چرا که مبارزات مردم تبریز همواره در تاریخ درست مانند انقلاب اسلامی ایران در عصر ما مبارزات صددرصد مردمی بوده که عمدتاً انگیزه مذهبی داشته و از مساجد و مدارس علمی و تکایا و هیئتهای حسینی با فتاوا و دستورات علما و روحانیون بزرگ و با سخنرانیها و خطابه‌های محرک و آتشین آنان شروع می‌شد و کیفیت و کمیت حرکت‌های مردم کلاً تحت اشراف کامل روحانیت و با رهبری آنان بود. تاریخ مشروطیت را وقتی می‌خوانیم این مسئله بوضوح روشن است اگر چه عده‌ای مغرض و مخالف اسلام و روحانیت عزیز مانند کسروی و دیگران در نوشته‌های خود سعی کرده‌اند که انقلاب مردم را برای مشروطه خواهی از روحانیت جدا سازند و نقش روحانیت را نادیده گرفته و گاهی وارونه جلوه دهند و از امثال شخصیت‌های مردمی مانند ستارخان و باقر خان سوء استفاده‌هایی بکنند و من برای روشن شدن اذهان بطور اجمال باین مسئله اشاره می‌کنم.

نهضت مشروطیت

نهضت مشروطیت دو مرحله داشت: یکی باصطلاح در برابر استبداد قدیمی و بزرگ و دیگری در برابر استبداد صغیر که پس از آنکه بدستور محمد علیشاه مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶ قمری به توپ بسته شد و علمای بزرگ و سردمداران نهضت مشروطیت مانند مرحوم آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبائی و امام جمعه تهران را پس از

زدن و آزار و اذیت زیاد به تبعیدگاهها روانه ساخت، شروع شد.

در نهضت اولی مشروطیت، برای همگان روشن است که مردم آذربایجان مانند همه مناطق ایران، به پیروی از مراجع تقلید و روحانیت بزرگ برای مبارزه با استبداد و مشروطه خواهی قیام کردند و در تبریز مجتهدین بزرگی مانند آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا که بسیار معروف و موثر بود در رأس نهضت قرار داشت که نهضت را از زمان تحریم تنباکو از طرف میرزای بزرگ شیرازی اداره می‌کرد و در کلیه مناطق ایران به سه یا چهار نفر از علمای بزرگ مستقیماً مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نامه نوشت و مسئله تحریم تنباکو را ابلاغ کرد که یکی از آنان مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا بود. البته پس از آنکه وابستگان انگلیس و دولت وقت تبلیغ می‌کردند که این حکم از خود میرزا نیست و می‌خواستند بدینوسیله تأثیر حکم را خنثی سازند که عیناً حکم را بعنوان خاتمه این مقاله نقل می‌کنیم و دنباله بحث را در مقاله بعدی پی میگیریم.

متن تلگراف: تبریز - جناب مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام ظهیر الاسلام آقای حاج میرزا جوادآقا دام‌علاه از آذربایجان سئوالاتی از حکم حقیر به حرمت استعمال دخانیات رسیده. بلی حکم کرده‌ام = محمد حسن الحینی.

ادامه دارد

